



مقدمه

این که چگونه کودکی به انسانی

بزرگ و با شخصیت

تبدیل می شود و چگونه

مراحل و مقاطع مختلف

کودکی، نوجوانی و جوانی و

سپس بزرگسالی را طی می کند

و چه مراحل را باید در این مسیر

طی کند تا به انسان کامل برخوردار

از ویژگی های کامل شخصیتی تبدیل

شود، موضوعی است که همواره

متخصصان علوم تربیتی و جامعه شناسان

تعلیم و تربیت از زوایای مختلف به آن

پرداخته اند و هر یک از زوایای گوناگون این

مسئله را تبیین کرده اند. براساس آخرین

یافته های علمی، اگر کودکان در مسیر آموزش های

لازم اجتماعی قرار نگیرند و با هنجارها و ارزش های

اجتماعی آشنا نشوند و آنها را در خود نهادینه نکنند،

هرگز قادر به رفتاری بسان یک انسان اجتماعی و نرمال

نخواهد داشت. شخصیت انسانی ما، علاوه بر شکل پذیری و

قالب گیری و تأثیر پذیری از طریق محیط اجتماعی و نیز وراثت،

از طریق جامعه پذیری و تعامل اجتماعی و روابط متقابل با

دیگران ساخته و پرداخته می شود و از طریق همین عوامل و

مؤلفه هاست که ما می آموزیم. چگونه خود را با هنجارها و ارزش های

اجتماعی و دینی هماهنگ و همسو کنیم. بدون اجتماعی شدن و

نهادینه و درونی کردن ارزش ها و هنجارهای اجتماعی در یک جامعه

اسلامی، خوبی و بدی و ارزش ها و هنجارها را نمی توانیم تشخیص

دهیم. نمی دانیم چگونه فکر کنیم، سخن گوئیم، چگونه و در کجا چه

سخنی گوئیم و چه کاری انجام دهیم و به طور کلی، نمی توانیم آداب

اجتماعی را بیاموزیم. هرچند جامعه پذیری و اجتماعی شدن

مهمترین فرایند دوران اولیه زندگی و بیشتر مربوط به دوران کودکی

است، اما در طول زندگی و در خلال مراحل مختلف زندگی همواره و

بطور مداوم، ما باید در معرض فرایند اجتماعی شدن قرار گیریم و

همواره آموزش های اجتماعی و دینی را بیاموزیم و بتوانیم خود را با

آن ها همنا سازیم تا بدین ترتیب، با کسب و آموزش ارزش ها و

هنجارهای اجتماعی و دینی و درونی کردن آنها، به انسانی بهنجار

اجتماعی و دینی تبدیل شویم. البته، قطعاً در این میان از نقش مهم

و بسزای تأثیرات محیط بر شکل گیری و قالب ریزی شخصیت

انسانی نباید غافل بود. طبعاً در جامعه دینی، که همواره ارزش ها و

هنجارهای اجتماعی و دینی از طریق خانه و مدرسه و سپس

رسانه های همگانی همچون رادیو، تلویزیون، مطبوعات و... به افراد

القا شود، افراد آداب اجتماعی و دینی خود را از این طریق می آموزند و

به انسانی اجتماعی و بهنجار و نرمال تبدیل می شوند. علاوه بر این که، در تفکر دینی وراثت نیز نقشی مهم و بسزایی در شکل گیری شخصیت آدمی ایفا می کند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «اذا اکرم اصل الرجل کرم مغیبه و محضره» یعنی کسی که ریشه خانوادگی او شریف است در حضور و غیاب و در هر حال، دارای فضیلت و صفات پسندیده است. باز حضرت می فرماید: «علیکم فی قضاء حوائجکم بکرام الا نفس و الاصول» یعنی حوائج خویش را از مردان کریم و صاحبان ریشه خانوادگی بخواهید.

این مقال نیم نگاهی به فرایند و مراحل مختلف و نیز مکانیسم های جامعه پذیری دارد. بخش نخست این مقال را پی می گیریم:

عوامل و مکانیسم های جامعه پذیری

هر یک از ما به وسیله جامعه پذیری و عواملی همچون محیط و وراثت، به انسانی اجتماعی و نرمال تبدیل می شویم. برآستی همه ما می خواهیم بدانیم که چه چیزی ما را به صورت شخصی که اکنون هستیم در آورده است. از نظر اچ ترنر^(۱) از جمله عوامل و مکانیسم های اجتماعی شدن، به دست آوردن انگیزه هایی است که ما را به اشغال

وقتی یک هنر پیشه می خواهد نقش یک زورنالیست حرفه ای را بازی کند

نیم نگاهی به فرایند جامعه پذیری

محمّد فولادی

موقعیت ها و انجام نقش های مختلف

اجتماعی هدایت می کند. در صورتی

جامعه انسانی تداوم می یابد که همه ما به

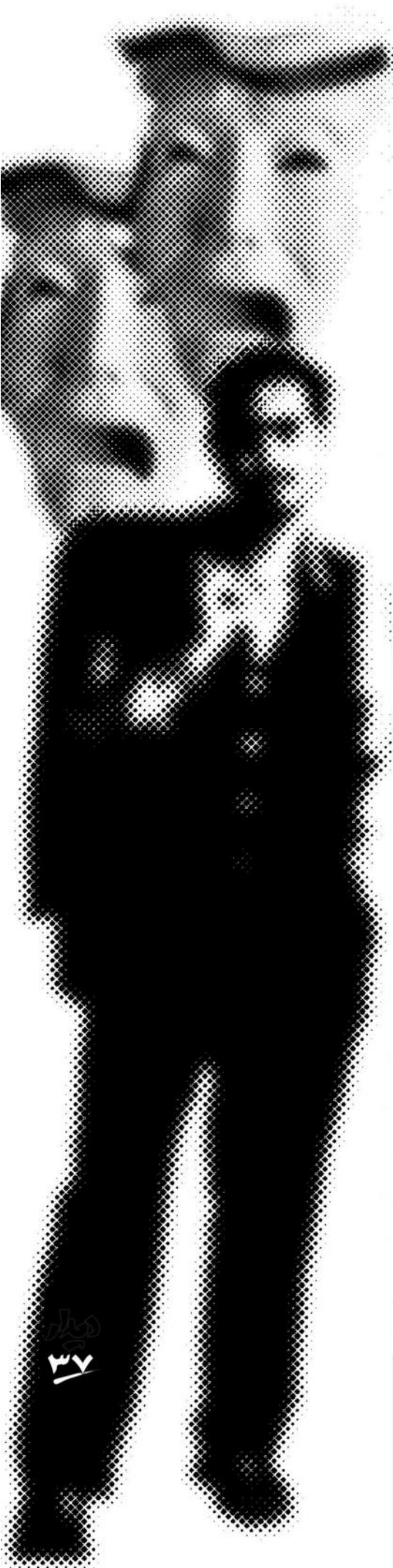
نقش هایی همچون، پدر،

دوست، مادر، شهروند، معلم،

حاکم، رعیت، دانش آموز،

روزنامه نگار و ناو... و صدها نقش از این دست را به خوبی انجام دهیم. قطعاً عدم ایفای صحیح و درست نقش های فوق با هنجارهای متناسب با آن، جامعه را دچار نابهنجاری، از خود





دارای زنجیره‌ای پیچیده از حالات عاطفی هستند که در خلال اجتماعی شدن کسب می‌کنند. دلیل تنوع این احساسات این است که انسان‌ها در حین تعامل و برخورد با دیگران، نقش‌های متناسب و متنوعی را با دیگران بازی می‌کنند، و همین امر موجب تنوع احساسات و عواطف انسانی می‌گردد. اگر شخصی بتواند احساسات و عواطف بسیار متنوعی را فهمیده و ابراز نماید، می‌تواند حالات، نیات، حرکات و سکنت‌ها و حتی اشارات دیگران را درک نموده و به شیوه‌های متناسب و متنوعی آن‌ها را پاسخ دهد. بنابراین، یکی از راه‌های اجتماعی شدن و شخصیت‌سازی افراد، توسعه و بسط عواطف و احساسات و یادگیری و درون‌ریزی آن‌ها و سرانجام به کارگیری، عمل و پایبندی به آن‌ها در تعامل با سایر افراد است. مثلاً، هنر پیشه جوانی که می‌خواهد نقش یک ژورنالیست حرفه‌ای را بازی کند، حتماً باید کاملاً مسلط به قواعد بازی بوده و به خوبی از عهده ایفای نقش یک هنر پیشه حرفه‌ای برآید. از سوی دیگر، یک ژورنالیست حرفه‌ای اگر بخواهد نقش یک سیاست‌مدار و پیر و کهنه کار را بازی کند، باید کاملاً به قواعد بازی سیاسی و الفبای عرصه‌های پر پیچ و خم سیاسی مسلط باشد. در واقع زمانی یک مهندس میکانیک می‌تواند به عنوان فوتبالیست حرفه‌ای نقش‌آفرینی کند که در زمین فوتبال و در عرصه بازی همچون یک فوتبالیست کهنه کار از قواعد بازی کاملاً آگاه بوده و در زمین هنرآفرینی کند.

ادامه دارد...

۱- ر. ک. به: مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، جان‌اتان / آج ترنر، ترجمه محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری، انتشارات مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۴ به بعد با اندکی تصرف
۲ و ۳- همان

بیگانگی، عدم رضایت، چالش و تنش اجتماعی کرد، و سرانجام موجبات فروپاشی انسجام اجتماعی و جامعه را فراهم می‌آورد.

از دیگر عوامل اجتماعی شدن از نظر پارسونز^(۲) مقوله فرهنگ و مقولات فرهنگی است. درون‌ریزی هنجارها، عقاید و باورهای اجتماعی و دینی و نیز تعهد، عمل و پایبندی به این ارزش‌ها و هنجارها و باورهای اجتماعی و دینی موجب تقویت انسجام اجتماعی خواهد بود. و جامعه با فرهنگی مشترک و برخوردار از افرادی بهنجار و عامل به پیوندهای مشترک اجتماعی و باورها و هنجارهای ملی و دینی به حیات و پویایی خود ادامه می‌دهد. در حالی که، اگر مردم پایبند به هنجارها و ارزش‌های مشترک اجتماعی و دینی و بطور کلی فرهنگ اجتماعی حاکم نشوند و توافق بر فرهنگ و مقولات فرهنگی جامعه نداشته باشند و نسبت بدان پایبند نباشند، جامعه دچار عدم وفاق و تجزیه شده و به خرده فرهنگ‌های متفاوت تبدیل خواهد شد. افراد نیز دچار از خودبیگانگی می‌شوند. زیرا، وقتی جامعه از یک سو، پایبند به ارزش‌های فرهنگی نباشد و از سوی دیگر، دارای خرده فرهنگ‌های متنوع و نامتجانس اجتماعی باشد، افراد جامعه نیز به دلیل درون‌ریزی نکردن هنجارها و قواعد اجتماعی و مقولات مشترک فرهنگی، دچار اختلاف شدید و احتمالاً درگیری و تنش می‌شوند. هنجارشکنی، انحراف، کجروی، قانون شکنی، خلاف، اختلاف، تشتت و عدم انسجام و عدم توافق اجتماعی و ملی امری بدیهی و طبیعی خواهد بود. بنابراین، از طریق تأثیرپذیری از عوامل محیطی و وراثتی و در پرتو عمل و پایبندی به ارزش‌ها، آداب و هنجارهای اجتماعی و دینی و نمادهای فرهنگی و نیز باورهای مشترک است که افراد و جامعه‌ای بهنجار، با حداقل انحراف و کجروی معقول، یکپارچه و منسجم خواهیم داشت.

از دیگر عوامل جامعه‌پذیری از نظر جورج هربرت مید^(۳) این است که فرد خود را به عنوان یک عین خارجی و دارای هویت واقعی و معین در نظر گیرد. چون اگر فرد فاقد «خود ادراکی» باشد، رفتارهای او، در نتیجه، شخصیت او ثبات نمی‌یابد و نمی‌تواند معیار و ملاکی ثابت و مقبول - البته از نظر خود - برای صحت و سقم و درستی و نادرستی رفتارهای خود داشته باشد. فردی که خود را به عنوان یک واقعیت عینی و خارجی نپذیرفته است و فاقد خود ادراکی می‌باشد و یا خود را در کالبد اجتماع به عنوان یک شخص قبول ندارد، حتی زمانی که براساس هنجارها و معیارها و ارزش‌های مشترک اجتماعی عمل می‌کند، فردی مذبذب، متزلزل و متلون خواهد بود و ثبات رأی نخواهد داشت. چون چنین شخصی فاقد معیار و مقیاس درونی برای ارزیابی رفتارها، اعمال و کنش‌های خود است و شخصیت متزلزل و خودناباور و ویژگی چنین افراد است. لذا چنین افرادی هیچگاه ثبات رأی نداشته و همواره در تصمیم‌گیری‌ها متزلزل خواهند بود و از همین‌رو، هیچ معیار و ملاکی ثابت برای ارزیابی و مرجع ارزیابی رفتارها و اعمال خود نخواهد داشت.

سرانجام، از دیگر عوامل جامعه‌پذیری عواطف و احساسات است. انسان‌ها هر چند هنگام تولد واجد بسیاری از احساسات اولیه و بنیادین انسانی‌اند، اما آنچه مهم است ساختن و پروراندن و نیز به کارگیری صحیح این احساسات در تعامل بین افراد است. انسان‌ها